

سنتور و موسیقی ایران

پروفسور د. بابا شری

نشی و بیات ترک، اسوعطاً، شور افشاری و زانت پنجگه و مسهور بنواز نوا، سه‌گام، همناسون، شی جاشووس و بیات اسفهانای سنتور...

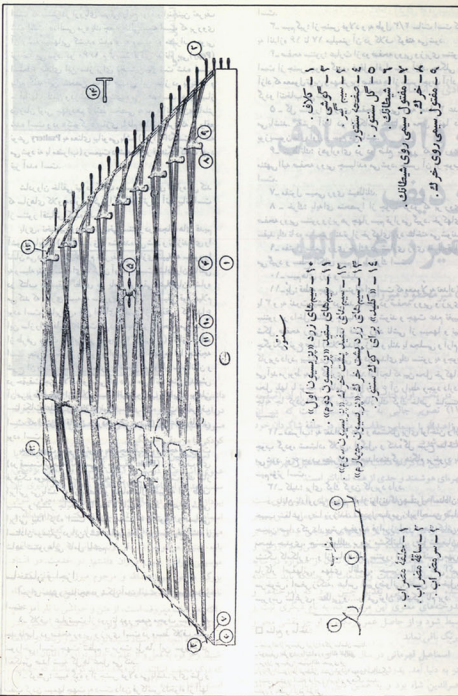
مقدمه
آقای دکتر ساسان سینتا در مقدمه کتاب «چشم انداز [بردن] بیشتر از نشیدن موسیقی و تلفیق ذوق و تشخیص گوهر از خرف بر اثر مطالعه پر شناخت خود از این هنر بی‌شماره به همین نتیجه برای ارفاقی سطح اطلاعات علاقمندان به موسیقی ایرانی و رفع پاره‌ای از ابهامات موجود در این مقاله موضع‌گیری شده است تا به یکی از وسایل موسیقی با ارزش ایرانی پرداخته شود. چه این که بیشتر نیز در مورد یکی دیگر از همین ابزارها با عنوان «تار ساز ملی ایرانیان» در ادبیات شماره ۴۶ مقاله‌ای درج شد که تلاش نگارنده آن مقال را ارجح می‌نهد. در این مقاله به شیوه‌ای دیگر مطالبی در مورد ساز سنتور عنوان خواهد شد.

سنتور که عرب آن سنطور یا سنطیر است، از سازهای زهی مضربی و از کهن‌ترین سازهای ایرانی است به شکل سنتوری با قاعده‌های دوازده‌ای شکل که بر روی صفحه رومی قاعده بالایی آن ۲۲ نیم کشیده شده است. روی همین صفحه اخیر در ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ خورشیدی در هر خرق چهار سیم ساز می‌شود.

با توجه به تعداد خرکها در یک تقسیم بندی، سنتورها به انواع بزرگ و کوچک تفکیک می‌شوند. مرسوم‌ترین سنتورها عبارتند از سنتورهای ۹ خرک که کورک سیمهای خرک سوم آنها حدودت سل دیپازون است و دارای سه یوزسپون می‌باشند. سنتور دارای چهار یوزسپون است اما یک یوزسپون آن - یعنی چهارمی اش - در نوازندگی کاربری ندارد. در هر یوزسپون یک اکتاو (از نت می) - خرک اول تا نت «ه» خرک هفتم) به انضمام دو نت اضافی «می» و «فا» که شامل خرکهای هشتم و نهم می‌شود رسمت صدا وجود دارد. سنتورهای دیگر سنتورهای با ۹ خرک و در ابتدای کوچکتر از نوع اخیر هستند که کورک سیمهای خرک سوم آنها حدودت لاهلی دیپازون است و نیز سنتورهای ده خرک، یازده خرک، لاکورک و... که ایجاد بزرگتری دارند. به ازای افزایش هر خرک حدود ربع برده نیم برده صدا می‌ترمی‌شود. افزایش خرک در این سنتورها امکان استفاده از مدولاسیون‌های مختلف با یک کورک را فراهم می‌کند. بنابراین این سنتورها برای اجزای مجلسی و

کسرت نقش کاربردی بهتری دارند زیرا چنانچه گفتم صدای بهم‌تر و ملایم‌تر هم تولید می‌کنند. سنتور نسبت به سایر سازهای ایرانی پراکندگی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارد و خارج از مرزهای مولد خویش به صورت مختلف با نامهای متفاوت در کشورهای آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی، خاور دور، اروپای شرقی و حتی اروپای غربی موجودیت یافته است. نیز سنتور در میان علاقمندان به نوازندگی سازهای ایرانی دو چند دهه اخیر از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد در یک مدولاسیون خاص این ساز در ارکسترو پاکار گروهی نقش و نمادی مهم‌تری از حالت زهی خویش دارد. البته جایگاه سنتور در تکوازی موسیقی ایرانی مشخص است و بخصوص در زمان ما قدرت و توانایی آن به خوبی در تکوازی به اثبات رسیده است. مهمترین مشکل این ساز مسأله کورک کردن و عدم توانایی اجرای مدولاسیون‌های مختلف با یک کورک است که آنها به جهت کثرت سیم‌ها و نوع ساختمان ساز می‌باشد. ناگفته نماند اگر چه می‌توان بدون دست زدن به گوشه‌ها (شرح آن در قسمت ساختمان سنتور خواهد آمد) و با تغییر محل خرکها حالات مختلف را اجرا کرد اما این کار عمل ایراد است و علت آن بعد از تعریف، این گوشه خواهد بود. در قسمت ساختمان سنتور بیان خواهد شد. سنتور قطعات با پانچها و حالت‌های مختلف اعم از قطعات ضربی و آوازی شدن، خردن اوپرو و حدودت واسطه را به خوبی و با قدرت اجرا و ادا می‌کند ولی در ارائه قطعات ریتیمیک و شاد سازی تقریباً منحصر به فرد است. سخن را کوتاه و برای معرفی بیشتر هویت ملی این ساز که ایرانی است بای دیگرها می‌کنشایم.

تاریخچه سنتور
سنتور پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و حتی ساختمان آن خود به نوعی مبین این مهم است. ابوالحسن علی بن حسین (وفات ۳۲۵ یا ۳۲۶ ق) معروف به مسعودی، مورخ و مؤلف کتاب معروف «مروج الذهب» ضمن برشمردن نام آلات موسیقی زمان ساسانیان، نام ساز سنتور را در ردیف این سازها عنوان می‌کند که البته با فراز و فرود تاریخ موسیقی که در ارتباط مستقیم با تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران زمین بوده است گاهی وقتها از رونق خاصی برخوردار بوده و بعضی اوقات در آرزو یا به سر می‌برده است. نیز شاید به همین علت باشد که به ممالک دیگر هم رخنه کرده و از آنجا که نشأت ملی مختلف با خصائص آفرینشی هنری و زین آن ملی بستگی تام دارد. در آن ممالک و مطابق با گویش و فرهنگ آنها نامهای مختلف، شیوه‌های نوآختن مختلف و حتی شکل‌های کمابیش متفاوتی را پذیرا شده است. سنتورهای عراقی، هندی، مصری، ترکی (که دارای ۱۶۰ سیم هستند) و نیز سنتورهای چینی که مجموعاً به میانگین - هشتاد و سنتورهای چکسلواکیایی، مجارستانی (به نام Zimbalom)، رومانیایی، ایتالیایی (به نام سالتریا، منتق از ساتارین) و وهیهای از آن جمله‌اند. و حتی پلانو ساتارین از ساز سنتور است که در یک سیر تکاملی، توسط اروپائیان ساخته شد. توضیح این که در ادبیات انگلیسی از سازهای بنام دالسیمر (Dulcimer) از ۱۴۰۰ میلادی به بعد نام برده شده



است که بیشتر در اروپای شرقی رایج بوده و اینچنین تعریف شده است: «دالسی مر» یک جعبه خالی بسته است که بر روی آن رشته سیمهایی کشیده شده و به وسیله دو مضراب چوبی نواخته می شود. در ۱۶۶۰ م توسط فردی به نام پی (Pepy) استماع صدای این ساز برای نخستین بار ثبت شده است. بنا به گفته این شخص سالها صدای این ساز در بریتانیا و خیابانهای لندن و در نمایشها شنیده می شده است. همین ساز در زمان لوئی چهاردهم توسط شخصی به نام «بانتائون» کاملاً شده است و در «کتوکمی» سازی با نام «دالسی مر» که در واقع نوعی Psaltery به معنای پیانو می باشد (زیرا با انگشت نواخته می شود نه با مضراب) رسمیت داشته که در فرهنگ کتاب یهود نیز آمده است.

شادروان خالقی نیز در کتاب موسیقی نظری اشاره می کند که سازهای کلاویه دار فرنگی را که کامل ترین آنها پیانو است از سنتور اقتباس کرده اند. پاری، نخستین رویای تاریخی سنتور در حجاره های قدیم آشور و بابلیان (۶۶۹ هـ. ق.) مشاهده می شود و نوازنده ای را نشان می دهد که در یک بزم تشریفاتی، سازی شبیه به سنتورا به وسیله بندی یا سمه ای به گردن آویخته است. شادروان خالقی در کتاب موسیقی نظری در باب موسیقی عیلامیان اشاره می کند که سازی شبیه به سنتور جزء آلات موسیقی قوم عیلام بوده است. بنابراین، این ادعای بعضی از محققین که ابداع این ساز را به فارابی نسبت می دهند بعید و ناصحیح می نماید. از طرفی وقت فارابی در حدود ۳۳۹ هـ. ق) اتفاق افتاده است یعنی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، اما چنانچه شرح آن رفت، مسعودی سنتورا متعلق به دوران ساسانیان و در حقیقت جزء آلات موسیقی آن دوره می داند؛ یعنی پیدایش آن مربوط به قبل از اسلام است. البته در کتب فارابی و بوعلی سینا نکات علمی زیادی در مورد سنتور آمده است و معروف است که اختراع قانون و پرده بندی عود از ابداعات فارابی بوده است.

به هر جهت سنتور با توجه به آنچه گذشت و آنچه در تورات (در قسمت ترجمه انگلیسی از موسیقی Bible) و در کتاب های فرهنگ موسیقی غرب راجع به این ساز آمده است، یک ساز ایرانی می باشد که از یکصد و پنجاه سال اخیر به این طرف بیشتر و بیشتر جایگاه شایسته و بایسته خود را در موسیقی ایرانی پیدا کرده است و امید است که با توجه و مساعی استادان موسیقی در این رشته معایب فعلی این ساز رفع گشته و شاهد سنتورهایی کامل باشیم.

ساختمان و اجزا

اجزای سنتور چنانچه در شکل آمده است شامل موارد زیر است:

- ۱- کلاف: عبارتست از دور تا دور جعبه مجوف سنتور که حد فاصل دو صفحه رویی و زیری است در وسط کلاف جلو، سوراخی است جهت تنظیم و مرمت پل ها. این سوراخ در انعکاس صدا شبیه گل ها عمل می کند.
- ۲- گوشه: شبیه گوه و از جنس فولاد می باشد. برای شل و سفت کردن سیمها جهت به دست دادن فرکانس دلخواه از آنها

است.

۳- سیم گیر: از جنس فولاد و به طول ۲/۳ سانت است که به اندازه ۱۶ تا ۱۷ میلیمتر آن در کلاف کوفته می شود.

۴- صفحه سنتور: عبارت از دو صفحه رویی و زیری سنتور است. از جنس چوب گردو، فوفل، افرا، سرو آزاد، جنگلی و آزاد که معمول ترین و مهم ترین صفحه ها از جنس چوب آزاد و گردو انتخاب می شود.

۵- گل سنتور: بر روی صفحه بالایی و به تعداد ۲ عدد می باشند. نقش آنها در انعکاس صدا و محل آنها در پوزیسیون های اول و سوم می باشد.

۶- شیطانک: زهواره ای در دو ضلع سنتور که بر روی منتهی الیه صفحه رویی چسبانده می شود. جنس آن از چوب است.

۷- مفتول سیمی روی شیطانک.

۸- خرک: پایه ای منحصراً از چوب گردو که بر روی صفحه رویی سنتور و زیر هر چهار سیم قرار می گیرد. خرکهای سفید یک تا دو میلیمتر بلندتر از خرکهای زرد ساخته می شوند.

۹- مفتول سیمی روی خرک: در شیاری روی خرک قرار می گیرد و سطح انکای سیم ها با خرک است.

۱۰- سیم های زرد و سفید

۱۱- پل: قطعه چوبی استوانه ای است که معمولاً به تعداد ۲ یا ۳ و به ندرت بیشتر در حد فاصل دو صفحه رویی و زیری سنتور در داخل سنتور چسبانده می شوند و جهت عدم تغییر شکل صفحه رویی بر اثر فشار زیاد ناشی از سیمها و نیز چگونگی نوع صدا (مثلاً صدای زیاد و بلند یا مجلسی و آرام) کاربرد دارد. بیشترین نقصی که در صدای یک سنتور به وجود می آید مربوط به پل گذاری است. از آنجا که بین محل خرکها و محل پلها با توجه به عامل صدا و نوع آن رابطه وجود دارد، جاهه جا کردن خرکها برای ایجاد یک کوه خاص شایسته نیست.

۱۲- مضراب: به تعداد ۲ عدد و همشکل برای نواختن و از چوب گردو، شمشاد، گلای، ازگیل، و کنده گل سرخ ساخته می شود. نوع چوب مضراب در صدا دهندگی هنگام برخورد با سیم مؤثر است.

۱۳- کلید: برای کوه کردن کاربرد دارد.

در پایان یادآور می شویم که از نوازندگان سنتور، استادان: حبیب صماعی، رضا ورزنده، منصور صارمی، ابوالحسن صبا، حسین صبا، دکتر داریوش صفوت، فرامرز پایور، مجید کبکی، محمد حیدری، حسین ملک، پرویز مشکاتیان، رضا شفیعیان، پشنگ کامکار و... و از سازندگان سنتور، ابراهیم قنبری مهر، مارکار اصفهانی، مهدی ناظمی، حسین ملک، علی اکبر سرخوش، اصغر زنگنه، عباس امیررضوانی، حسین زادخیل، سیروس ساغری، عطایی و... را می توان به نیکی نام برد.

منابع و مأخذ:

- چشم انداز موسیقی ایران، دکتر ساسان سینا.
- موسیقی نظری و روانه روح الله خالقی.
- مردان موسیقی: حبیب الله نصیری فر.
- ویژگی سنتور در موسیقی سنتی ایران، مهدی پاشنگر.
- دستور سنتور، استاد فرامرز پایور و فرهنگ عمید.
- سنتور و ناظمی، ارفع الطرانی.